

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مسئله دادن زکوة بدولت اسلام و جواز صرف آن در نظام ایران اینکه سؤال نمودید آیا دادن زکوة بدولت اسلام که در مخارج نظامیان از جهت حفظ اسلام و نفوس مسلمین صرف شود جایز است یا نه؟ پس احقر در جواب آقایان معروض میدارم که دادن زکوة از مهمات تکالیف اسلامی و از اهم واجبات دینی است چنانکه در سورة بقره و نساء و نور و مزمل فرموده **واقیموا الصلوة و آتوا الزکوة و در بقره و توبه میفرماید و اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و در حج فرموده اقاموا الصلوة و اتوا الزکوة و در بقره و توبه میفرماید و اقام الصلوة و اتوا الزکوة و در حج و نساء و مجادلة فرموده فاقیموا الصلوة و اتوا الزکوة و در نساء میفرماید و الموتون الزکوة و در مائده فرموده و اتیتم الزکوة و در مائده و اعراف و توبه و نمل و لقمان میفرماید و یؤتون الزکوة و در احزاب فرموده و اتین الزکوة و در بینه میفرماید و یقیموا الصلوة و یؤتوا الزکوة و در انبیاء و نور فرموده و ایاتاء الزکوة و در مریم میفرماید و اوصانی بالصلوة و الزکوة و در مؤمنون فرموده و الذین هم للزکوة فاعلون و در مریم میفرماید و کان یامر اهله بالصلوة و الزکوة و در فصلت فرموده الذین لایؤتون الزکوة و هم بالآخرة هم کافرون و در این پانزده آیات شریفه در بیست و هفت محل چقدر اهتمام در دادن زکوة فرموده و در آیه اخر مایع زکوة را کافر باخرا**

قرارداده پس اگر کسی در دین اسلام باشد و اعتقاد بقرآن داشته باید و البته زکوة بدهد و اگر ندهد مسلم نیست و بصریح آیه آخر کافر است هر چند یکی که کفر مراتب و درکات دارد و اسفل درکات کفر انکار واجب الوجود و یا انکار پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است که نجس میشود و اما دادن زکوة بدولت اسلام و نظامیان و حافظان دولت ایران و حمایت کنندگان باسلامیان پس از تکلیف واجب و اهم مسلمین است بصریح آیه مصرف زکوة در سوره توبه انما الصدقات للفقراء والمساكين تا آنکه فرمود **و فِي سَبِيلِ اللَّهِ** و مراد از سبیل الله در آیه جهاد و حفظ مسلمین و اقامه شعایر اسلام و راه صلاح و خیر مسلمانان است چنانکه در تفسیر قمی و صافی از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت کرده که سبیل الله قومی است که خارج میشوند بجهاد کردن و حال آنکه نفقه و مخارج ندارند تا آنکه بعد از بیان حج فرموده و یا جمیع راههای خیر اسلامی است و در آیات بسیار خداوند تعالی فرموده **يَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَتَجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ** و مراد از سبیل الله در همه آیات جهاد و حفظ اسلام و حمایت مسلمین است پس صرف اهم زکوة همین سبیل الله است نسبت بسایر مصارف آن زیرا که بدفاع و جهاد دفع دشمنان خارجی و داخلی و اقامه احکام اسلام و بیان حلال و حرام و حفظ مسلمانان و حمایت بلاد و رفع فتنه و فساد از ایشان میشود و اگر تمام ثروت و اموال دنیا مال مسلمین باشد و با وجود اینها قوه دفاعیه و دفاع و جهاد کننده نداشته باشند اموال ایشان خواهد رفت

و با نهایت ذلت و فقر و فاقه و بریشانی بهلاکت مبتلاء خواهند شد و از این جهت بود که خود صاحب شرع ﷺ زکوة اخذ میکرد و در مصارف جهاد و دفاع کنندگان خرج مینمود و در زمان حضرت شارع ﷺ و خلفاء قوام و دوام اسلام و نشر و بیان احکام با زکوة بوده و اگر چیزی از نظامیان و دفاع کنندگان زیاده میشد بسائر مصارف زکوة میدادند و اهم را در همه موارد مقدم میکردند و اهم مصارف زکوة در این زمان مخارج نظامیان اسلام و حفظ کنندگان دین مبین و حمایت نمایندگان مملکت مسلمین است عقلاً و شرعاً بدون شك در این مقام تقدیم اهم و تقدیم الزم مثل تقدیم اعلم بر غیر اعلم از ضروریات دین و از بدیهیات عقل است و علاوه بر این در احادیث صحیحه وارد شده که آنچه بنوامیه و بنو عباس از جهت زکوة از شیعیان اخذ میکردند از زکوة محسوب است چنانکه در کافی و فقیه از ابن شعیب روایت کرده اند که حضرت صادق ﷺ سؤال کردم از دهیک هائیکه سلاطین اخذ میکنند از کسی آیا آنرا از زکوة خود حساب بکنند یا نه فومود بلی اگر خواست حساب میکند و در قرب الاسناد از حضرت امیر المؤمنین ﷺ روایت کرده که آنچه دهیک اخذ کننده از تو اخذ کرده از زکوة خود حساب بکن و در کافی از ابن خالد روایت کرده که حضرت باقر ﷺ امر فرمود باصحاب خود که آنچه سلطان آن زمان از ایشان اخذ میکند از زکوة حساب نمایند و در تهذیب از حلبی روایت کرده که از آن حضرت سؤال کردم از زکوة مال که سلطان اخذ میکند فرمود امر نمیکنم ترا که دو مرتبه زکوة بدهی و در کافی و

تهدیب از ابن قاسم از آنحضرت است که آنچه بنوامیه از شما اخذ میکنند پس آنرا از زکوة حساب بکنید و در فقیه از آنحضرت روایت کرده که سؤال کردند از کسیکه زکوة و خمس غنیمت و خمس معدن را این جماعت سلاطین از او اخذ میکنند آیا از زکوة و خمس آنکس حساب میشود یا نه؟ فرمود بلی حساب میشود پس با وجود این احادیث صحیحه چرا اهل اسلام زکوة خودشانرا بدفاع کنندگان و نظامیان خود ندهند آیا امانت و دیانت نظامیان اسلام و ایران در این زمان از نظامیان بنو امیه و بنو عباس کمتر است و آیا سلاطین آن زمان از هیئت دولت مسلمین این زمان خوبتر و متدین تر بودند و آیا امامان ما شیعیان بر اعانت بنو امیه و بنو عباس با دادن زکوة راضی میشدند و بر اعانت و حمایت و قدرت و استقلال دولت حالیه اسلامیان و ایرانیان راضی نمیشوند و آیا حفظ بلاد اسلام و نشر احکام در آن زمان با بنو امیه و بنو عباس لازم بود و در این زمان با هیئت دولت و کلاء ملت لازم نیست و حال آنکه حفظ مذهب و حمایت ملت و قدرت و استقلال دولت با وجود این همه دشمنان خارجی و داخلی و این قدر ضد شونندگان طاغی و باغی لازم تر و واجب تر است پس حمایت و اعانت دولت و حفظ و حراست مذهب و ملت و مملکت در این زمان بر همه واجب اهم و تکلیف الزم است خصوصاً از برای ثروت داران اسلام و متمولان ایران با دادن زکوة و صدقات بر نظامیان خودشان و از زمان حضرت پیغمبر ~~صلی الله علیه و آله~~ تا آخر سلطنت بنو عباس قوه دفاعیه مسلمین و

و مصارف جهاد کنندگان و دفاع نمایندگان ایشان منحصر بوده بر زکوة مسلمانان پس چرا علماء اعلام براهل اسلام امر بمعروف نمیفرمایند و بر مسلمین امر نمیکند که ایشان زکوة را بدولت متبوعه خودشان بدهند و قدرت و قوت دولت اسلامیان را زیاد نمایند تا آنکه انشاء الله تعالی هیئت دولت نیز در حفظ مذهب و ملت و مملکت اسلام جدیت و اقدامات فرماید و صاحب ثروت و استقلال شود و اگر مسلمین بفرمایش علماء عمل نکنند و با اختیار خودشان زکوة را بدولت اسلام و حفظ کنندگان مملکت اسلامیة ندهند پس بر اولیاء دولت و وکلاء ملت واجبست که زکوة را ایشان با قهر و اجبار و با اکراه و بدون اختیار اخذ بکنند و در این مسئله تأسی و تبعیت بر پیغمبر ﷺ خودشان نمایند زیرا که آنحضرت بصریح آیه در سورة توبه **خدمن اموالکم صدقة** زکوة را از مسلمین با اجبار و بدون اختیار ایشان اخذ میکرد و بر میل و دلخواه ایشان واگذار نمیکرد و بعد از آنحضرت نیز چنین بوده پس باید اولیاء دولت و ملت از علماء و امراء و وزراء و وکلاء مسلمین اگر خیرخواه باشند و براحکام اسلام عمل بکنند از تکلیف واجب اهم خودشان اعراض نکنند و تابع پیغمبر ﷺ خود باشند و زکوة را از مسلمانان اخذ نمایند و در مصارف ترقیات اسلامیة صرف بکنند و حافظ مملکت و ملت و مذهب بشوند و قوه دفاعیه را و ثروت دولت را و استقلال مملکت را زیاده نمایند تا آنکه مملکت اسلامیة و دولت حالیه از شر اشرار داخلی و خارجی محفوظ باشد و مسلمانان

با امنیت و آسودگی مشغول زراعت و فلاحت و صناعت و تجارت خودشان
بوده باشند و زیاده بر این بفلاکت و هلاکت واقع نشوند و نفوس و اعراض
و اموال ایشان محفوظ گردد .

« (حرره الاحقر الارومی عرب باغی در دویم صفر الخیر ۱۳۴۳) »